

اصول، شاخص‌ها و معیارهای کفویت و  
زوجیت

با عنایت به مباحثی که تاکنون مطرح شده است، به طور اجمال به مهم‌ترین و اصلی‌ترین معیارهای همسرگزینی از منظر روان‌شناسی و ارزش‌های اسلامی اشاره می‌کنیم و بانگاهی واقع بینانه، توجه به وضعیت موجود و اندیشیدن دربارهٔ وضعیت مطلوب، معیارهای انتخاب همسر بایسته و کفو شایسته را در ابعاد زیستی، شناختی، روانی، سلامت نفسانی، اعتقادی، اخلاقی و رفتارهای فردی و اجتماعی مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

#### ۱) ویژگی‌های زیستی

در ارتباط با ویژگی‌های زیستی داوطلبان ازدواج نکات زیر می‌تواند مورد توجه باشد:

##### الف) هیأت ظاهر:

هیأت ظاهر یا به اصطلاح شکل و قیافه فرد می‌تواند از جهات مختلف مورد توجه طرف مقابل قرار گیرد. به طور کلی در این ارتباط موارد و مسائلی همچون اندازهٔ قد، رنگ چهره، رنگ چشم، رنگ موی سر، چاقی، لاغری و... معمولاً مورد توجه داوطلبان ازدواج و نزدیکان ایشان واقع می‌شود. بدیهی است که در این زمینه مقبولیت و مطلوبیت قیافهٔ فرد از نظر دختر و پسر داوطلب ازدواج مهم است و نظریات اعضای خانواده و نزدیکان نباید موجبات ایجاد تردیدهای غیرضرور در پذیرش متقابل گردد. به عبارت دیگر چنانچه دختر و پسر هیأت ظاهر طرف مقابل را (ولو با حداقل مطلوبیت از نظر دیگران) بپذیرفتند، شایسته نیست دیگران در این ارتباط اظهار نظرهای متفاوت و بعضاً متناقض

# فرهنگ

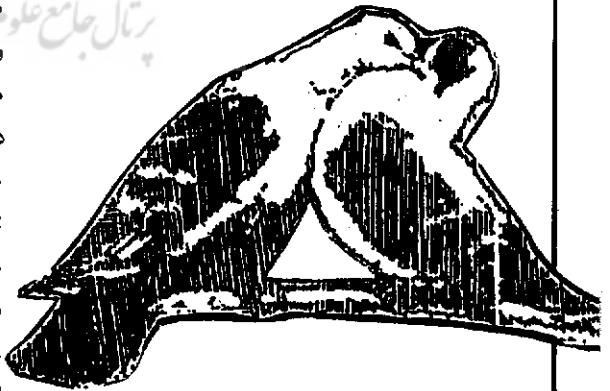
# ازدواج

# در بستر

# ارزش‌های

# اسلامی

دکتر شلامعلی افروز



محبت آمیز، منش متواضعانه، سیرت پاک، نجابت و تقوا پیشگی معنای نیکو می یابد و بس.

(ب) عدم ابتلا به بیماری های پیش رونده و سخت درمان:

شایسته است که داوطلبان ازدواج از وضعیت جسمانی، شرایط حسی و حرکتی و سلامت عمومی یکدیگر اطلاع صحیح داشته باشند. در واقع این آگاهی قبل از عقد پیمان زوجیت امری لازم و واجب است و از حقوق حقه طرفین محسوب می شود.

پنهان کردن ناتوانی ها و بیماری های خاص و سخت درمان و مخفی داشتن برخی اختلالات حسی و حرکتی که کنترل آن ها مستلزم تدابیر درمانی و توان بخشی مستمر و طولانی است، مثل سرطان ها، ام اس<sup>۱</sup> (تحلیل تدریجی بافت های عصبی) و صرع<sup>۲</sup> نه تنها صحت پیمان زوجیت را خدشه دار می کند و بعضاً می تواند فسخ نکاح را در پی داشته باشد، بلکه پایه های استوار سنگر زندگی مشترک را لرزان می نماید. زمانی که پیمان زوجیت بر صداقت استوار نباشد، به یقین آرامشی را به دنبال نخواهد داشت.

بدیهی است آن عده از خانم ها و آقایان داوطلب ازدواج که از صلاحیت ها و کفایت های لازم عاطفی و عقلانی، تعهد فردی و مسؤولیت پذیری اجتماعی برخوردار هستند و با اندیشه ای متعالی و شناخت دقیق و در نهایت آزادی و اختیار و به دور از هر گونه کنش های احساسی و واکنش های هیجانی و تصمیم های ناپخته و عجولانه، با تأمل و تفکر و جامع بینی و آینده نگری، با علم کافی به شرایط یا اختلال حرکتی و جسمانی فرد مورد نظر و با تأکید بر ویژگی های شخصیتی و اخلاقی وی، آمادگی و

بنمایند. اصولاً توجه به هیأت ظاهر و قیافه فرد نمی تواند به عنوان معیار اصلی مطرح باشد. در واقع در مقایسه با ویژگی ها و خصیصه های فکری و اخلاقی و جاذبه های روانی، صرف قیافه فرد نمی تواند نقش جدی و تعیین کننده ای در ازدواج موفق و آرامش زندگی داشته باشد. چه بسیار دختران و پسرانی که با شیفتگی فوق العاده در برابر شکل ظاهر فرد مورد نظر و به دور از هر گونه اندیشه و تحقیق درباره ویژگی های اخلاقی و رفتاری وی، گرفتار در حصار هیجان ها و کشش های نفسانی، با اصرار و لجاجت فراوان و قبول تعهدات غیر معقول و خارج از توان بالفعل و بالقوه ازدواج می کنند و متأسفانه چند صباحی بعد از ازدواج و بعضاً در همان دوران عقد و سال های اولیه زندگی به دلایل گوناگون که ریشه آن را می توان در عدم رضامندی درونی و ناخوشایندی روانی - جنسی جست و جو کرد، به دنبال ستیزها و قهرهای پی در پی مصرأ خواستار جدایی و طلاق می شوند. مشاهده چهره های گرفته و نگران این قبیله افراد در راهروهای مجتمع های قضایی خانواده در نقاط مختلف کشور، حکایتگر کم اندیشی ها و ندامت هاست.

بنابراین صرف ارزش نهادن به زیبایی چهره و جذابیت هیأت ظاهر نمی تواند ملاک و معیار چندان مهمی برای انتخاب همسر باشد، زیرا مقبولیت هیأت ظاهر هرگز نمی تواند تضمین گر آرامش روان و امنیت خاطر در زندگی مشترک گردد. چه بسیار زیبا رویان و خوش چهره هایی که از نعمت جاذبه فکری، گیرایی کلام و خوشایندی رفتار برای همسر بی بهره اند. زهی سعادت آنان که به زیبایی جمال خود با زیبایی و شکوه کمال معنا می بخشند، چرا که زیبایی و جمال با تعالی فکر و اندیشه، کلام پر جاذبه، نگاه پرمهر، رفتار

بعضی کمی زودتر و جمعی نیز تا حدود ۲۵ سالگی و یا بالاتر نمی‌توانند شایستگی لازم، بلوغ فکری و تعهد و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی را احراز نمایند. بنابراین با عنایت به متغیرهای گوناگون نمی‌توان عدد مشخصی را به عنوان سن مطلوب ازدواج تعیین کرد. لذا بیان این نکته و اظهار این باور و بازخورد عمومی که حتماً باید دختر خانم چند سال کوچک‌تر از آقا پسر باشد نمی‌تواند همواره دارای مبنای علمی و منطقی و بالطبع حجت شرعی باشد. هر چند که دخترها به طور متوسط ۲ تا ۳ سال زودتر از پسرها بلوغ جنسی را تجربه می‌کنند. البته همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، صرف بلوغ جنسی هرگز نمی‌تواند دلیل یا معیار کافی برای احراز کفایت‌ها، شایستگی‌ها و آمادگی‌های لازم برای زوجیت باشد.

اغلب خانواده‌های محترم و اکثر جوانان و بزرگسالان جامعه بر این باورند که حتماً باید هنگام انتخاب همسر دقت شود که دختر خانم چند سالی کوچک‌تر از آقا و به عبارت دیگر آقا پسر چند سالی بزرگ‌تر از دختر خانم باشد! اگر سؤال شود که به چه دلیل باید این گونه باشد، غالباً در مقام پاسخ اظهار می‌دارند: "همه می‌گویند باید این طور باشد" و یا "این طور بهتر است." برخی از کارشناسان محترم نیز در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، در مصاحبه‌های مطبوعاتی و یا در مقالات مربوط به ازدواج نیز بدون استدلال کافی و ارائه دلایل منطقی این باور عمومی را مورد تأکید قرار می‌دهند و می‌گویند بهتر است داماد چند سالی بزرگ‌تر از عروس خانم باشد! به نظر نگارنده این سطور که در این مقاله نه در پی تکریم عروس خانم است و نه در صدد احترام به مقام آقا داماد، شاید از یک منظر این باور تأکیدی بر رشد

اشتیاق خود را برای زوجیت و زندگی مشترک، به رغم برخی مشکلات و سختی‌ها، اعلام می‌دارند؛ اندیشه و تصمیم ایشان قابل تکریم و تحسین است. در چنین شرایطی انتظار می‌رود نزدیکان و آشنایان ایشان و کارگزاران مسؤول و ذریب‌ط همواره مشوق و حمایتگر کانون پر از مهر و صفا و معنویت آن‌ها باشند.

بسیاری از خانم‌های جوانی که در نهایت سلامت و هوشیاری، با آگاهی و شناخت و به دور از احساسات و هیجان‌های زودگذر، با اندیشه‌ای متعالی، ایمانی قوی و اراده‌ای استوار و خلل‌ناپذیر با جوانان هوشمندی که دچار آسیب‌های حسی و حرکتی هستند، بالاخص با آنان که چشم‌ها و یا پاها و توان حرکتی خود را در دفاع مقدس، در جبهه آزادی و پاسداری از ارزش‌ها به یادگار گذاشته‌اند، ازدواج کرده‌اند؛ عموماً از بیش‌ترین آرامش روانی و رضامندی دنیوی برخوردار بوده، از این که همسر و همراه و شریک زندگی یک جانباز انقلاب اسلامی هستند به خود می‌بالند.

(ج) سن:

یکی از مباحث مورد توجه در ازدواج، مسأله سن و تفاوت سنی داوطلبان ازدواج است. به طور کلی شایسته و بایسته آن است که داوطلبان ازدواج تناسب و کفویت سنی داشته باشند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هر جوانی که بلوغ جنسی را پشت سر گذاشته و از رشد مطلوب جسمانی برخوردار است، هم چنین از هوشمندی و کفایت‌های عقلانی و تعادل عاطفی و روانی بهره‌مند می‌باشد و دارای تعهد و قدرت مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و قابلیت همسری است می‌تواند در اندیشه زوجیت باشد. برخی این شرایط را در حدود ۱۸ تا ۲۰ سالگی می‌یابند،



جسمانی نسبتاً پیش رس دخترها در دوران اولیه رشد و نوجوانی نسبت به پسرها باشد و از نگاه دیگر گویای این مطلب باشد که پسرها چند سالی دیرتر از دخترها به رشد عقلانی، کمالات اجتماعی و کفایت‌های همسری نایل می‌شوند. در مجموع در ارتباط با مسأله سن و تفاوت سنی خانم‌ها و آقایان به هنگام ازدواج نکات و ملاحظات زیر قابل توجه است:

۱- هیچ دلیل علمی و منطقی مبنی بر این که حتماً باید دخترها به هنگام ازدواج کم‌سن‌تر از پسرها باشند به سادگی قابل ارائه نیست. بنابراین نه تنها هیچ مانعی برای دخترها و پسرهای هم سن و سال و داوطلب ازدواج که حائز شرایط و کفایت‌های لازم برای زوجیت باشند نمی‌تواند وجود داشته باشد، بلکه در مواقعی نیز که دختر خانمی با برخورداری از شایستگی‌های لازم برای زوجیت، یک یا چند سالی از آقا پسر داوطلب ازدواج با وی بزرگ‌تر است، انجام عقد زوجیت بسیار مبارک خواهد بود. <sup>۳</sup> مسأله هم سن بودن و یا بعضاً یکی دو سال بزرگ‌تر بودن خانم‌ها یا آقایان در بین دانشجویان هم پایه و هم دوره دانشگاه‌ها بسیار معمول است. آن گاه که در حریم ارزش‌ها فرصت مطلوبی فراهم می‌شود که بعد از چند سال هم کلاسی بودن، بین دختر و پسری مسأله مقدس زوجیت به میان آید، در غالب موارد هم سن و سال بودن ایشان و یا احیاناً یکی دو سال بزرگ‌تر بودن دختر خانم برای بعضی از خانواده‌هایی که حاضر به بازنگری فکری نیستند و گاه در میان باورهای کلیشه‌ای محصور می‌باشند، خوشایند نبوده، نگرش‌های منفی ایشان به عنوان اصلی‌ترین عامل تعویق و یا بازدارنده یک ازدواج موفق میان دوجوان داوطلب و واجد شرایط می‌گردد.

۲- در جهان معاصر با پیشرفت علوم و اعتلای فرهنگ زیستی، دانش‌افزایی خانواده‌ها، فراهم شدن فرصت تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی برابر برای دخترها و پسرهای شهری و روستایی، همگانی شدن بهداشت و خدمات پزشکی و درمانی، پیش‌گیری از بسیاری از مرگ و میرهای نابهنگام، حضور فعال‌تر خانم‌ها در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، اعتلای هر چه بیش‌تر مقام و منزلت زنان در جامعه، آشنایی بیش‌تر زنان نسبت به فرهنگ و بهداشت فرزندان و مراقبت‌های شخصی، دیگر تفاوت‌های چندانی بین میانگین عمر مردها و زن‌ها در جوامع پیشرفته نمی‌تواند وجود داشته باشد.

اما در گذشته، به دلایل عدیده از جمله فرزندآوری‌های متعدد و پی‌درپی (بدون رعایت فواصل لازم)، عهده‌دار شد. کارهای سخت در مزارع و کارخانه‌ها در کنار کارهای خانه، عدم رعایت اصول بهداشت و عدم برخورداری از تغذیه مناسب و استراحت کافی، کمبود امکانات پزشکی و درمانی، ابتلای مادرها به بیماری‌های

جوانب امر و ملاحظات مربوط به مسأله فرزندآوری می‌تواند در اولین فرصت ممکن کانون آرامش بخش زندگی مشترک را بنا نهد.

باید توجه داشت که "زوجیت" مستقل از فرزندآوری است. چه بسا زوج‌هایی که به دلایلی موفق به فرزندآوری نشده، یا خود را شایستهٔ مسؤولیت‌پذیری و مادری نمی‌یابند، لیکن بیش‌ترین آرامش را در زندگی مشترک خود تجربه می‌کنند.

۴- مسألهٔ مهم دیگر در ارتباط با سن و تفاوت سنی خانم و آقا که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، به خصوص زمانی که آقا چندین سال بزرگ‌تر از خانم می‌باشد، رضامندی متقابل زن و شوهر در زندگی مشترک زناشویی است. رضامندی غریزی توسط زوجین (به ویژه خانم‌ها) در زندگی مشترک امری بسیار مهم و در خور توجه است و این رضامندی جنسی از حقوق حقهٔ ایشان می‌باشد. بنابراین به هنگام ازدواج، در مواردی که که آقا ۱۰ یا ۱۵ سال و یا بیش‌تر بزرگ‌تر از خانم است، باید به موضوع مهم تراضی غریزی و



عفونی و ضعف و کم‌خونی؛ بسیاری از مادرها دچار فرسودگی جسمانی و روانی و پیری زودرس شده، در سنین میان سالی دار فانی را وداع می‌گفتند و شوهرانشان چند سالی تنها زندگی می‌کردند و این شرایط ناخوشایند شاید می‌توانست مبنایی برای توجه به سن کم‌تر خانم‌ها به هنگام ازدواج باشد.

۳- فرصت مطلوب برای فرزندآوری از دیگر ملاحظات مربوط به سن خانم‌ها به هنگام ازدواج است. همان‌گونه که اشاره شد هم سن بودن و یا چند سال بزرگ‌تر بودن خانم‌های جوان به هنگام ازدواج نمی‌تواند و نباید مانعی برای تعویق یا تأخیر امر مقدس ازدواج باشد. اما ازدواج دختر خانم‌ها در سنین بالای ۳۶ سال توجه به ملاحظات خاصی را در ارتباط با بارداری و فرزندآوری می‌طلبد. در حال حاضر مطالعات مربوط به سنین مطلوب فرزندآوری مادران بیانگر این مطلب است که مناسب‌ترین دورهٔ فرزندآوری در حدود سنین ۲۳ تا ۳۶ سال با رعایت فواصل بارداری است. <sup>۴</sup> لذا بایسته است زمانی که خانم‌ها در سنین ۳۶ سالگی و یا بالاتر در اندیشهٔ فرزندآوری هستند دقت بیش‌تری در انجام آزمایش‌های ژنتیکی <sup>۵</sup> و حصول اطمینان بیش‌تر از سلامت کروموزوم‌ها مبذول دارند. فراوانی تولد کودکان مبتلا به سندرم داون از مادران بالای سن ۳۵ سال به طور معنی‌داری بیش‌تر از مادران جوان‌تر می‌باشد. <sup>۶</sup>

در هر حال با عنایت به فلسفه، اهمیت، ضرورت و قداست عرشی امر ازدواج به عنوان یک نیاز فطری و روانی انسان، چنانچه مرد جوانی قصد ازدواج با خانمی را دارد که او را واجد شرایط برتر برای ازدواج می‌داند، اما ایشان بیش از ۳۶ سال دارد، با توجه به مراتب فوق و بررسی

می‌بینیم که در سن ۲۵ سالگی اکثر موهای سرش سفید شده و یا شکستگی پوست حکایت از سنی بسیار بالاتر از ۲۵ سالگی برای او دارد. در مقابل فرد دیگری را ملاحظه می‌کنیم که در سن ۴۵ سالگی حتی یک تار موی سفید ندارد و موی سر و رنگ رخسارش سن او را بیش از ۳۰ سال نمایش نمی‌دهد و بازخوردها و نگرش‌های دیگران نیز چنین است، زیرا همواره سن زیستی انسان با سن تقویمی او هم‌خوانی ندارد. چه بسیار آدم‌هایی که در سن بالای پنجاه سالگی همه دندان‌های خود را دارند و از آن بهره می‌برند و برخی دیگر قبل از سن ۴۰ سالگی درصد قابل توجهی از دندان‌های طبیعی خود را از دست داده‌اند. در واقع سن زیستی یا بیولوژیکی بر مبنای کیفیت و میزان مقاومت و قدرت سلول‌های مختلف بدن تعیین می‌گردد.

سن روانی<sup>۹</sup>، یعنی گستره انرژی حیاتی، میزان پویایی و سرزندگی افراد در سنین مشابه نیز با هم تفاوت دارد. نشاط، سرزندگی، پویایی فکر، قدرت ابراز احساسات و میزان انرژی حیاتی، سن روانی افراد را به نمایش می‌گذارد. سن روانی و سن زیستی در تعامل بوده، همدیگر را به طور کاملاً محسوس متاثر می‌کنند. به بیان دیگر شرایط روانی فرد وضعیت زیستی او را متاثر می‌سازد و شرایط زیستی و بدنی فرد نیز شرایط روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>۱۰</sup>

اصل تأثیر روان بر بدن و بدن بر روان در مباحث اساسی روان‌شناسی نیز حکایتگر همین موضوع است. بنابراین گاه دختر خانمی را ملاحظه می‌کنیم که از نظر سن شناسنامه‌ای دو سه سال بزرگ‌تر از آقا پسر داوطلب ازدواج است، اما از نظر سن زیستی بسیار جوان‌تر از آقا به نظر می‌آید و به یقین بسیاری از خانواده‌های محترم

رضامندی متقابل زوجین در طول حیات مشترک و زندگی زناشویی در سال‌های آتی توجه داشت. چه بسا اختلافات جدی خانوادگی، همسرگریزی‌ها، همسرستیزی‌ها و ارتکاب رفتارهای سازش‌نا یافته و آسیب‌پذیری‌های فردی و خانوادگی در نتیجه عدم رضامندی متقابل در روابط مستمر و طولانی زناشویی پدیدار می‌شود.

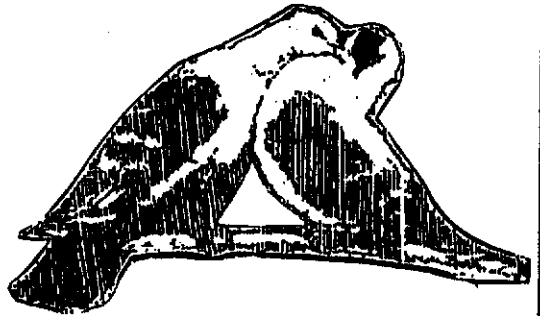
۵ نکته بسیار مهم دیگر که در مورد سن و اختلاف سنی دختر و پسر به هنگام ازدواج می‌تواند قابل ذکر باشد این است که همه آدم‌هایی که در یک روز به دنیا می‌آیند و کاملاً هم سن و سال هستند، از نظر شرایط زیستی و جسمانی و ویژگی‌های روانی و عاطفی و سرزندگی مشابه هم نیستند. تفاوت‌های فردی در بین همه دخترها و پسرهای هم سن و سال و حتی در بین دو قلوهای یکسان کاملاً مشهود است. ساختار ژنتیکی و سازمان زیستی افراد، ولو این که هم سن و سال باشند، متفاوت می‌باشد. این تفاوت در ویژگی‌های روانی آن‌ها نیز کاملاً آشکار است. لذا در ارتباط با مسأله "سن" علاوه بر سن تقویمی یا شناسنامه‌ای، سن زیستی و روانی نیز همواره مورد توجه است. به عبارت دیگر شاکله وجود انسان را عوامل گوناگون پدیدار می‌کند. از جمله این عوامل، سن تقویمی<sup>۷</sup> یا سن شناسنامه‌ای است که همه ما از آن آگاهیم و دیگران نیز با نگاه کردن به تاریخ تولد ما در شناسنامه می‌توانند در مورد آن آگاهی یابند.

عامل دیگر، سن زیستی یا بیولوژیکی<sup>۸</sup> است. همه انسان‌ها و افراد هم سن و سال با توجه به ساختار ژنتیکی و رشد و تحول زیستی آنان، به خصوص در دوران جنینی و مراحل اولیه رشد، با هم متفاوت هستند. به عنوان مثال فرد جوانی را

باشند.<sup>۱۱</sup> بدیهی است که برخورداری از حداقل تحصیلات در حد دورهٔ راهنمایی و دبیرستان می‌تواند نشانی از سطح هوشی قابل قبول و یا بالاتر از متوسط فرد مورد نظر باشد.

توجه به کفایت عقلانی مورد نظر نیز بسیار مهم است و بهره‌مندی از ظرفیت هوشی مطلوب از اصلی‌ترین مؤلفه‌های رشد عقلانی است. اما کفایت عقلانی فراتر از صرف عامل هوشمندی و تیزهوشی است. کفایت عقلانی با برخورداری از ویژگی‌هایی از جمله: قدرت تشخیص، فهم و درک و تجزیه و تحلیل صحیح مفاهیم، اتخاذ تصمیم‌های مناسب، بجا و حکیمانه در موقعیت‌ها و شرایط مختلف، استقلال فکری، انتظار واقع بینانه داشتن از خویش و دیگران بر اساس ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌ها، قدرت غلبه بر احساسات و هیجان‌ها و کشش‌های نفسانی، پذیرش و ایفای تعهدات فردی و مسؤولیت‌های اجتماعی، رفتار عادلانه و شجاعانه، پیروی از رویهٔ اعتدال، مقید بودن در ایستادگی در طریق خیر و صلاح و بر حذر بودن از حرکت در مسیرهای نادرست<sup>۱۲</sup> و گناه آلود، عامل بودن به باورها و گفته‌های صواب و منطقی،<sup>۱۳</sup> گوش دادن به سخن‌ها و پیروی کردن از بهترین‌ها و بالاخره تأثیرناپذیری از افکار نادرست و دسیسه‌های نفسانی قابل تشخیص خواهد بود.

توجه به کفویت و تناسب داوطلبان ازدواج در حوزهٔ شناختی، بهره‌مندی از ظرفیت مطلوب هوشی، رشد و کفایت عقلانی فرد مورد نظر، بیش‌ترین اهمیت را دارد. میزان تحصیلات طرفین نیز ممکن است مورد توجه خاص قرار گیرد. در این جا ذکر این نکته لازم و ضروری است که تفاوت سطح تحصیلات دختر و پسر آمادهٔ ازدواج با عنایت به هوشمندی، کفایت عقلانی و بینش



خود تجاریبی از این دست دارند.

خلاصه آن که صرف هم سن بودن دختر و پسر و یا چند سال بزرگ‌تر بودن دختر از پسر به هنگام ازدواج نباید مسألهٔ مهمی تلقی شود و بازدارندهٔ ازدواج باشد.

### ویژگی‌های شناختی

ویژگی‌های شناختی داوطلبان ازدواج در امر کفویت از اهمیت بسزایی برخوردار است. در واقع از جمله مهم‌ترین شاخص‌ها، قابلیت‌ها و شایستگی‌های همسری، احراز کفایت‌های شناختی است. مؤلفه‌های اصلی ویژگی‌های شناختی؛ هوشمندی، رشد عقلانی، دانش عمومی، سطح تحصیلات و بینش اجتماعی است. افراد عقب ماندهٔ ذهنی به لحاظ عدم توان تشخیص فلسفه و هدف ازدواج و تعهدات و مسؤولیت‌های متقابل زندگی زناشویی و ناتوانی در پذیرش مسؤولیت ادارهٔ خانواده به صورت مستقل و نیز عدم برخورداری از کفایت‌های لازم و کافی در امر فرزندآوری و فرزندپروری مجاز به ازدواج نیستند.

بنابراین داوطلبان ازدواج و خانواده‌های ذیربط باید از هوشمندی طرف مقابل اطمینان داشته

اجتماعی طرفین نمی‌تواند و نباید مانعی برای زوجیت باشد. چه بسیار دخترها و پسرهایی که به رغم بهره‌مندی از ظرفیت هوشی قابل ملاحظه و رشد مطلوب عقلانی و امکان ادامه تحصیلات دانشگاهی، به دلایل عدیده از جمله کسب مهارت‌های مورد نیاز، بضاعت محدود مالی و اشتغال مفید، موفق به تحصیلات بیش‌تر نشده‌اند. امکان ادامه تحصیل برای زوج‌های موفق در زندگی مشترک با فراهم شدن آرامش روانی هر چه بیش‌تر در کانون خانواده و احساس رضامندی متقابل می‌تواند بیش از پیش میسر و مقدور گردد.

### سلامت روانی و تعادل عاطفی

آگاهی و اطمینان از سلامت روانی و تعادل عاطفی طرف مقابل قبل از عقد زوجیت امری کاملاً مهم و حیاتی است. پنهان کردن هرگونه سابقه احتمالی مشکل روانی و اختلال شخصیت در داوطلبان ازدواج نه تنها می‌تواند متضمن مسؤولیت‌های اخلاقی، شرعی و قانونی باشد، بلکه نگرانی‌های فراوانی را در بنا نهادن و ادامه زندگی مشترک در پی خواهد داشت. گاهی مشاهده می‌شود که خانواده‌هایی با علاقه و نیت خیرخواهانه در اندیشه ازدواج فرزند جوانشان هستند که چند صباحی دچار مشکل و اختلال شخصیت قابل ملاحظه‌ای بوده است. به طور معمول برخی از اطرافیان و آشنایان خانواده‌ها چنین توصیه می‌کنند که اگر این جوان با سابقه بیماری روانی و اختلال جدی شخصیت ازدواج کند چه بسا از وضعیت فعلی‌رهایی یابد و سلامت روانی خود را باز یابد. متأسفانه در غالب موارد این قبیل ازدواج‌ها دوام چندانی نمی‌یابد و بعضاً تبعات ناخوشایندی دارد. لذا چنانچه یکی از داوطلبان ازدواج سابقه ابتلا به ناراحتی روانی و

اختلال شخصیت داشته و مدت‌ها زیر نظر روان پزشک و یا روان‌شناس تحت درمان بوده است و یا احیاناً مدتی در بیمارستان روانی بستر شده است، شایسته است قبل از ازدواج، مراتب کاملاً به اطلاع طرف مقابل برسد تا در صورت تمایل و احساس نیاز - که در اغلب مواقع لازم است - در مورد امکان و آمادگی ازدواج و چگونگی زندگی مشترک و مسؤولیت‌پذیری وی با متخصصان مشورت لازم صورت گیرد. به عنوان مثال شخصی که به بیماری روانی و اختلال شخصیت پارانوئیدی<sup>۱۲</sup> مبتلاست ممکن است با اصرار و کمک اطرافیان و بدون آن که خانواده طرف مقابل اطلاع دقیقی از مشخصات این نوع اختلال داشته باشد، ازدواج کند. بدون تردید چنین ازدواجی نمی‌تواند زمینه آرامش زوجین را فراهم آورد و آن‌ها زندگی موفق را تجربه نمایند. چرا که از جمله ویژگی‌های اصلی شخصیت پارانوئیدی، عدم اعتماد، سوءظن گسترده و پایدار نسبت به دیگران، حساسیت زیاد نسبت به مسائل جزئی و کم اهمیت، باورها و نگرش‌های متعصبانه، بداخلاقی، توهم، رفتارهای مضطربانه، مشاجره‌های خشم‌آلود و عدم ارتباط عاطفی با دیگران می‌باشد. طبیعی است که صاحب چنین ویژگی‌هایی نمی‌تواند در زندگی مشترک با همسر خود چندان موفق باشد. این قبیل افراد (شخصیت پارانوئیدی) چون عموماً تمایل دارند مشکلات خود را به عوامل بیرونی و دیگران نسبت دهند، معمولاً آماده پذیرش انتقاد و تمهیدات فردی نبوده، به ندرت حاضر می‌شوند به کلینیک‌های درمانی مراجعه کنند و تحت درمان مستمر قرار بگیرند. این اختلال شخصیت در آقایان بیش‌تر از خانم‌ها دیده می‌شود. در هر حال با توجه به فراوانی قابل توجه افراد مبتلا به اختلالات مختلف شخصیت



زمانی که با ناکامی‌های مکرر در زندگی مشترک مواجه می‌شوند، به لحاظ همان شخصیت ضعیف و خودشیفته و ناپایدار مجدداً گرایش به اعتیاد و مصرف مواد مخدر پیدا می‌کنند. در هر حال آغاز زندگی مشترک با فردی که سابقه اعتیاد داشته، واقعاً نیت و انگیزه بازگشت به اعتیاد را ندارد، از حساسیت خاصی برخوردار است. در این میان رسالت بسیار سنگینی بر عهده خانم‌ها قرار دارد. خوش‌رویی، صبوری و برخورداری از جاذبه‌های فکری و کلامی و خوشایندی‌های رفتاری، همراهی و همدلی با همسر و نظارت و حمایت معنوی و اخلاقی مستمر، سرمایه اصلی زندگی با فردی است که پیش‌تر سابقه اعتیاد به مواد مخدر داشته و اینک واقعاً آن را ترک کرده است.

هر چند اکثر افرادی که سابقه اعتیاد دارند چند صبحی بعد از ترک اعتیاد مجدداً به اعتیاد گرایش پیدا می‌کنند، اما باید توجه داشت که عده قلیلی از ایشان هرگز و تحت هیچ شرایطی گرایش دوباره به اعتیاد پیدا نمی‌کنند و ما باید به توان و اراده این عده قلیل بیندیشیم و با محبت و رفتار شایسته، حامیانه، مشوقانه و صبورانه این جمعیت قلیل را به جمعیت کثیر تبدیل کنیم.

### سلامت و پاکی نفس

... الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ. <sup>۱۶</sup> زنان پاک، شایسته مردان پاک‌اند و مردان پاک و طیب لایق زنان پاک و طیب هستند.

در فرهنگ اسلامی یکی از اساسی‌ترین معیارهای کفویت داوطلبان ازدواج برابری و مساوات در طهارت و پاک‌دامنی و مصونیت نفس از کشش‌های نفسانی است. به سخن دیگر اساس مساوات واقعی و کفویت وجود زن و مرد در توان ایشان برای غلبه بر کشش‌های نفسانی، قدرت

در جامعه، شایسته است به هنگام انتخاب همسر به این مهم نیز توجه گردد. به همین دلیل لازم است که اطمینان از سلامت روان و تعادل عاطفی فرد داوطلب ازدواج مستقیماً و یا با مشاورت متخصصان ذیربط حاصل گردد.

### عدم اعتیاد

اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی توسط داوطلبان ازدواج و یا یکی از زوجین از عوامل مهم ناکامی‌ها و شکست‌های زندگی مشترک است. در بررسی وضعیت زیستی طرف مقابل باید اطمینان یافت که هیچ‌گونه آلودگی و عادت نامطلوب زیستی همچون گرایش به مشروبات الکلی، استعمال مواد مخدر از قبیل هرویین، تریاک، شیره، ال. اس. دی (LSD)، حشیش و حتی سیگار <sup>۱۵</sup> و غیره وجود ندارد.

امروزه متأسفانه درصد قابل توجهی از کشاکش‌های خانوادگی، جدایی‌ها و طلاق ناشی از اعتیاد مستمر شوهرهاست، آن‌هایی که ابتدا صرفاً به علت کنجکاری و یا به قول خودشان تقنن، ماده مخدری را همراه با رفقای خود تجربه نمودند و اصلاً فکر نمی‌کردند که روزی معتاد شوند! با کمال تأسف در کشور ما صدها هزار نفر که بسیاری از ایشان متأهل می‌باشند، در اسارت اعتیاد به مواد مخدر قرار دارند. ترک اعتیاد نیز هر چند مقدور و میسر است، اما کار ساده‌ای نیست و مستلزم درمان‌های جامع و توان‌بخشی مستمر و بازپروری فکری و شخصیتی است. افراد معتاد عموماً شخصیتی خود شیفته و انفعالی دارند و کم‌تر صادقانه سخن می‌گویند.

پنهان کردن سابقه اعتیاد به هنگام ازدواج امری کاملاً مذموم است. چه بسا جوانانی که با سابقه اعتیاد قبلی در دوران ترک اعتیاد ازدواج می‌کنند و

خویشترداری و پاک و طیب بودن تا هنگامه زوجیت با کفو شایسته و مطلوب است. شایسته‌ترین همسر و بایسته‌ترین کفو وجود دختری پاک و طیب که هرگز برق نگاهش روشنگر چشمان نامحرمی نگردیده و جسم و روانش از هرگونه بهره و تعرض نامحرمان مصون مانده است، پسر پاک و طیب و وارسته‌ای است که هرگز وجود خویش را به اسارت نفس اماره در نیاورده، دمی با نامحرمی سرنگرده و از حریم عصمت و عفت گامی فراتر نگذاشته است. بالطبع دختری سزاوار و شایسته وجود پسری پاک و طیب و آزاده است که صلابت، نجابت و طهارت وی معناگر کفویت و ترسیمگر ایستادگی در کفه مساوات ترازوی عزت نفس، خویشترداری و تقوا پیشگی است.<sup>۱۷</sup>

خوشا به حال دخترها و پسرهایی که به هنگامه ازدواج و جاری شدن عقد زوجیت برای نخستین بار برق نگاه پاک و بکرشان روشنگر دل یکدیگر و همه احساسات و تمنای دل‌هایشان تقدیم همدیگر می‌شود. این زوج‌ها بالاترین لذت حیاتی و آرامش روانی در زندگی مشترک را تجربه می‌کنند. این زوج‌های طیب و طیبه به دور از تجارب نامیمون و گناه آلود نفسانی و بیگانه با قیاس‌های ناروا و تنوع‌طلبی‌های جنسی، همه معنای زوجیت و مفهوم زندگی مشترک را در وجود یکدیگر و تراضی متقابل می‌یابند.

بدون تردید احراز متقابل چنین ویژگی مطلوب برای داوطلبان ازدواج مستلزم آشنایی هر چه بیش‌تر و شناخت عمیق‌تر نسبت به تربیت خانوادگی و اجتماعی و چگونگی رشد و تحول شخصیت و میزان تقید به نظام ارزش‌ها و تعهدات

اخلاقی و دینی و اندیشه و رفتارهای متعهدانه و مسؤولانه یکدیگر می‌باشد.

بسرخورداری داوطلبان ازدواج از این ویژگی‌های ممتاز خود می‌تواند بارزترین نشان سلامت نفس، قدرت خویشترداری و حاکمیت اراده قوی بر کشش‌های نفسانی و رفتارهای فردی و اجتماعی باشد. البته در جامعه اسلامی همه خانواده‌ها به پاکی و طهارت دخترها و پسرها به هنگام ازدواج اذعان دارند و در این جا ذکر این مطلب مهم برای آشنایی هر چه بیش‌تر با یکی از مهم‌ترین اصول کفویت، مساوات و برابری واقعی زن‌ها و مردها در فرهنگ ارزش‌های اسلامی است. از حقوق فطری و مسلم دختر خانم‌های طیبه و باکره، بانجابت و سلامت نفس این است که به هنگام ازدواج از هم‌رهی همسری شایسته، طیب، باکره، نجیب و اصیل بهره‌مند شوند.

آری، کفویت در پاکی‌ها و پاک دامن‌ها، همانندی در غلبه بر کشش‌های نفسانی و فوران غرایز، همتایی در سلامت نفس و تقوای پیشگی و همدلی در دل آرامی، فطری‌ترین معیار کفویت و طبیعی‌ترین جلوه مساوات است.

در شماره آینده به دیگر اصول، شاخص‌ها و معیارهای کفویت و زوجیت خواهیم پرداخت.

## پی نوشت ها:

## 1-M.S (MULTIPLE SCHEROSIS)

## 2- EPILEPSY

۳- در بسیاری از موارد میزان آمار طلاق بین زوج هایی که خانم ها چند سالی بزرگ تر از آقایان هستند به مراتب کم تر از مواردی است که خانم ها چند سال کوچک تر از آقایان می باشند.

۴- تحقیقات انجام شده درباره سلامت و هوش فرزندان نشان می دهد که مادرها باید تلاش کنند دو سال تمام نوزاد خود را شیر بدهند و در دوران شیرخوارگی کودک خود باردار نشوند. بنابراین رعایت فاصله سنی حدود سه سال بین فرزندان مورد تأکید است.

۵- مطالعات علمی بیانگر این حقیقت است که مادران میان سالی (بالای ۳۶ سال) که خود بیش از ۳۵ سال تفاوت سنی با مادرشان دارند، به هنگام فرزندآوری باید با انجام آزمایش های کروموزومی دقت بیشتری در فرزندآوری داشته باشند. (روان شناسی سندرم داون)

۶- افروز، غلامعلی: روان شناسی و توان بخشی کودکان مبتلا به سندرم داون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

## 7- CHRONOLOGICAL AGE

## 8- BIOLOGICAL AGE

## 9- PSYCHOLOGICAL AGE

## 10- PSYCHO- SOMATIC/ SOMATO - PSYCHOLOGICAL

۱۱- در مواردی شاهد ازدواج دخترها و پسرهایی بوده ایم که یکی از آن ها دچار عقب ماندگی قابل ملاحظه بوده است. این قبیل ازدواج ها معمولاً توسط خانواده ها طراحی و اجرا می شود. متأسفانه به رغم برخی حمایت های خانوادگی این نوع ازدواج ها نمی تواند به معنای واقعی دوامی داشته باشد.

۱۲- مولا علی علیه السلام می فرمایند: عقل آن چیزی است که راه گمراهی را از طریق سعادت و خوشبختی تمیز می دهد. و عاقل کسی است که هر کاری را در جای خود انجام دهد.

۱۳- قرآن کریم می فرماید: یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون (صف، آیه ۲). ای کسانی که ایمان آورده اید چرا آنچه را که بدان عامل نیستید به زبان می آورید؟ تا امروز انسان بالبرو تنسون انفسکم (بقره، آیه ۴۴). آیا مردم را به کارهای نیک توصیه می کنید و خودتان را فراموش می نمایید؟ چنین دوگانگی در قول و فعل به دور از عقلانیت است.

## 14- PARANOID PERSONALITY

۱۵- سیگار سر نخ بسیاری از اعتیادها و مفسده های دیگر است. جوان داوطلب ازدواج باید از سیگار که بند حصار شخصیت است مبرا باشد. سیگار علاوه بر آثار زیان باری که بر سلامت عمومی به جای می گذارد (سکته های قلبی، سرطان ریه و...) میزان بینایی فرد سیگاری و اطرافیان او را به طور قابل ملاحظه ای کاهش می دهد و زمینه تولد کودکان کم وزن و نارس را در مادران باردار فراهم می کند.

۱۶- سوره نور، آیه ۲۶

۱۷- قرآن کریم در سوره های مختلف از جمله مؤمنون، فرقان و معارج از جمله مهم ترین ویژگی ها و صفات انسان های رشد یافته را مقید بودن در حریم عفت و پاکدامنی و کنترل نیروی غریزه نفسانی و مصون بودن از آلودگی جنسی قبل از ازدواج می داند: "لفروجهم حافظون" و "لایزنون".